



اداء حقوق مومن، پیش نیاز مسئله ظهور است / ۷ حق مومنین بر یکدیگر

حقوق دیگران در قیامت از انسان مطالبه می شود. به این صورت که کسی که حقوق را به جا نیاورده یا بخشی از اعمال خوب اش گرفته می شود و یا بخشی از اعمال بد دیگری به او می رسد.

حقوق دیگران در قیامت از انسان مطالبه می شود. به این صورت که کسی که حقوق را به جا نیاورده یا بخشی از اعمال خوب اش گرفته می شود و یا بخشی از اعمال بد دیگری به او می رسد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه شصت و یکم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از حکمت های غیبت امام زمان، آماده بودن جامعه بشری برای محقق کردن آن هدف والای امام عصر است که استقرار عدالت است. این استقرار عدالت، پذیرش عدالت هم می خواهد و فقط مجری آشنای به مواضع عدالت، کافی نیست.

برای ایجاد این آمادگی، در جامعه برون دینی برای رسیدن به آن آمادگی آزمون و خطا می کنند تا به این برسند که هیچکس جز یک شخصیت وحیانی نمی تواند به ما کمک کند. ما هر آنچه بوده امتحان کردیم و نتیجه نگرفتیم.

ولی جامعه درون دینی یک مزیت دارد و آن این است که اگر بخواهد به آن آمادگی برسد باید دو مطلب را نسبت به امام زمان رعایت کند. مطلب اول این است که ایشان از ما چه مطالبه ای دارد و مطلب دوم این است که ما نسبت به او چه وظیفه ای داریم؟

فردی به نام خیثمه روایتی از امام باقر(ع) نقل می کند که می گوید ما اعمال حج را انجام دادیم و برای خدا حافظی شرفیاب محضر امام باقر(ع) شدیم که اگر حضرت پیامی دارند به دوستان و شیعیان آن حضرت برسانیم. حضرت فرمودند «يَا خَيْثَمَةَ أُبَلِّغْ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَ أَوْصِيهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَّهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ وَ قُوِّبُهُمْ عَلَى ضَعْفِهِمْ وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ هُمْ جِنَازَةَ مَيِّتِهِمْ وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بَيْتِهِمْ فَإِنَّ لِقَاءَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا حَيَاةٌ لَأَمْرًا رَجِمَ اللَّهُ أَمْرًا يَا خَيْثَمَةَ أُبَلِّغْ مَوَالِينَا أَنَا لَا نُعْجِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا يَعْمَلُ وَ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلا يَنَالَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.»

یعنی ای خیثمه هر کس از دوستان ما را می بینی سلام برسان و آنها را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و این که توانگرشان بر فقیرشان توجه کند و قویشان بر ضعیف و زنده آنها بر جنازه میتشان حاضر شوند و در منازل به ملاقات یکدیگر روند، زیرا ملاقات آنها با یکدیگر موجب زنده ساختن امر ماست، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده دارد. ای خیثمه به دوستان ما پیغام ده که ما از طرف خدا آنها را جز به عملشان بی نیازی ندهیم و چاره سازی نکنیم، جز باورع به دوستی ما نرسند و پرحسرت ترین مردم روز قیامت کسی است که عدالتی را بستاید و سپس به خلاف آن گراید (مانند کسی که به ولایت ائمه تظاهر کند و از آنها پیروی ننماید یا عمل صالحی را بستاید و به آن عمل نکند).

چند فراز از این حدیث را در جلسه گذشته توضیح دادیم.

فراز دیگر این روایت می فرماید «وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَّهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ» یعنی ثروتمندان به فقرا توجه داشته باشند. برای توضیح این مطلب که چه حدی از کمک کردن مطلوب اهل بیت است باید نکاتی را متذکر شد.

خداوند بین اهل ایمان یک پیوندی برقرار می کند که «انما المومنون اخوه» به این معنی که شما در حد برادری باید کنار هم باشید. در برقرار کردن این پیوند یک حق و حقوقی ایجاد می شود. دیدگاه رهبران آسمانی نسبت به این حقوق چیست؟

امام صادق(ع) فرمود «والله ان المومن لاعظم حقا من الكعبة» یعنی حق و حقوق اهل ایمان نزد خدا، از کعبه برتر است. کعبه ای که ورود به او آدابی دارد و نباید در حریم آن خونریزی شود. می فرماید حق مومن از حق و حقوق کعبه نزد خداوند بالاتر است. متأسفانه این مسئله را نادیده می گیریم.

امام کاظم(ع) در مقابل کعبه ایستاده بودند و فرمودند «مَا أَعْظَمَ حَقَّكَ يَا كَعْبَةُ وَ وَاللَّهِ إِنَّ حَقَّ الْمُؤْمِنِ لِأَعْظَمُ مِنْ حَقِّكَ» یعنی چه بزرگ است حقت ای کعبه، و بخدا که حق مؤمن از حق تو بزرگتر است.

پیامبر(ص) در مورد اکرام برادر دینی می فرماید «مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ بِهِ» یعنی کسی که برادرش را احترام و تکریم کند، خدا را احترام کرده، به نظر شما خداوند متعال با کسی که خدا را احترام کند چه می کند؟

امام صادق(ع) می فرماید «ما عبد الله بشيء افضل من اداء حق المؤمن» یعنی خداوند، به چیزی برتر از «ادای حق مؤمن»، عبادت نشده است.

سوره نساء آیه ۴۸ می فرماید «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» یعنی مسلماً خدا اینکه به او شرک ورزیده شود نمی آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می آمرزد.

اما دو گناه از این آیه مستثنی شده است. شرک را که خود آیه ذکر کرده اما امام زین العابدین می فرماید از عموم این آیه دو گناه خارج می شود که: «يغفر الله للمؤمنين كل ذنب و يطهر منه في الدنيا و الآخرة ما خلا ذنبتين: ترك التقية، و تضييع حقوق الاخوان» یعنی خداوند هر گناهی را از مؤمنان می rlm& می پاک می rlm&; کند، مگر دو گناه: ترک تقیه و از بین بردن حقوق برادران دینی.

کسی که حقوق برادران دینی را رعایت کند راهی برای جلب غفران الهی است.

اگر کسی بخواهد نزد خدا محبوب شود و خدا او را دوست داشته باشد یکی از طرق این است که امام زین العابدین می فرماید «أَنْ مَعْرِفَةَ حَقُوقِ الْإِخْوَانِ تَحَبُّبٌ إِلَى الرَّحْمَانِ وَ تَعْظُمُ الزَّلْفَى الَّذِي الْمَلِكُ الدِّيَانِ، وَ إِنْ تَرَكَ قَضَائِهَا بِمَقْتِ إِلَى الرَّحْمَانِ وَ يَصْفَرُ الرَّتْبَةَ عِنْدَ الْكَرِيمِ الْمَثَانِ» یعنی به درستی که شناخت حقوق برادران دوست داشتنی است نزد خداوند رحمان و عظیم می کند نزدیکی انسان را نزد خدای مالک و چیره کننده. ترک آن رتبه انسان را نزد خدا پایین می آورد.

همه اینها را گفتیم که عرض کنیم ادا حقوق کار مهمی است و نباید نسبت به آن سهل انگاری کرد.

امام حسن مجتبی فرمودند اگر کسی بخواهد نزد خدا محبوب شود راهش این است که حقوق اهل ایمان را ادا بکند.

امیرالمومنین(ع) می فرماید «قضاء حقوق الاخوان اشرف اعمال المتقين، يستجلب مودة الملائكة المقربين» یعنی افضل اعمال متقیان، ادای حقوق برادران دینی است که محبت فرشتگان مقربین و اشتیاق حوریان بهشتی را برای خود به دنبال خواهد داشت.

روایت دیگر می فرماید «أَلَا وَ إِنَّ أَعْظَمَ فَرَائِضِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بَعْدَ فَرَضِ مَوَالِيَتِنَا وَ مَعَادَاةِ أَعْدَائِنَا إِسْتِعْمَالُ التَّقِيَّةِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ إِخْوَانِكُمْ وَ مَعَارِفِكُمْ وَ قِضَاءُ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ» یعنی آگاه باش که بزرگتر فریضه خدا بر شما پس از فرض دوستی و پیروی ما و دشمنی با دشمنان ما بکار بستن تقیه است درباره خودتان و برادران و آشنایان خودتان، و پرداخت حقوق برادران همکیش برای رضای خدا.

حال این اهل ایمان گاه جزء مخالفین اهل بیت هستند گاه جز موافقین اند. شیوه فرق می کند اما اصل آن سر جایش هست. فردی می گوید نیمه های شب دیدم کیسه ای همراه امام صادق(ع) است که نمی دانستم در آن چه چیزی است و به سوی جایی که بخشی از فقرا آنجا بودند، می رفتند. دیدم امام کیسه را به زمین گذاشتند و نان را به فقرا می دادند. به امام عرض کردم که آیا می دانستید که اینها جز مخالفین شما هستند؟ حضرت فرمودند اگر جزء موافقین ما بودند آنها را در نمک زندگیمان شریک می کردیم.

فردی نزد امام باقر(ع) می رسد و می گوید «جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْبَةَ عِنْدَنَا كَثِيرٌ فَقَالَ فَهَلْ يَعْطِفُ الْعَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ هَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَلَى [عَنِ] الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسَوْنَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لَيْسَ هَؤُلَاءِ شَيْعَةَ الشَّيْبَةَ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا» یعنی قربانت راستی که شیعه نزد ما بسیارند فرمود: آیا توانگر توجهی به فقیر دارد، و آیا نیکوکار از بدکردار گذشت می کند و با هم همراهی دارند؟ گفتم: نه، فرمود: اینان شیعه نباشند، شیعه آنست این کارها را بکند.

روایتی از پیامبر هست که ۳۰ حق را بیان می کند و شبیه آن را امام صادق(ع) در ۷ حق بیان می کند.

امیرالمومنین نقل می کند که پیامبر فرمودند «لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ» یعنی هر مسلمانی بر ذمه برادر مسلمانش سی حق دارد، ذمه اش از آنها بری نمی شود مگر این که آن حقوق را ادا کند یا برادرش از او درگذرد.

حضرت این ۳۰ حق را بیان می کنند و در آخر روایت می فرماید «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا قَبِيلُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَبِيضِي لَهُ وَ عَلَيْهِ» یعنی از پیغمبر(ص) شنیدم که می فرمود: هر یک از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جا نیاورد، روز قیامت از او مطالبه و بر نفع و یا ضرر او حکم خواهد شد.

یعنی حقوق دیگران در قیامت از انسان مطالبه می شود. به این صورت که کسی که حقوق را به جا نیاورده یا بخشی از اعمال خوب اش گرفته می شود و یا بخشی از اعمال بد دیگری به او می رسد.

فردی از امام صادق(ع) سوال کرد که حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ امام صادق(ع) می فرماید «قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا مِنْهُنَّ حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ صَيَّعَ مِنْهَا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ وَلايَةِ اللَّهِ وَ طَاعِيَتِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ تَصِيْبٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هِيَ قَالَ يَا مُعَلَّى إِيَّيْكَ عَلَيَّكَ شَفِيقٌ أَخَافُ أَنْ تُصَيِّعَ وَ لَا تَحْفَظَ وَ تَعْلَمَ وَ لَا تَعْمَلَ قَالَ قُلْتُ لَهُ «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ وَ الْحَقُّ الثَّالِثُ أَنْ تُعِينَهُ بِتَفْسِيكِ وَ مَالِكِ وَ لِسَانِكِ وَ يَدِكِ وَ رِجْلِكِ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ دَلِيلَهُ وَ مِرَاتَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعُ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَرَوْى وَ يَطْمَأُ وَ لَا تَلْبَسُ وَ يَغْرَى وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ يَكُونَ لَكَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ خَادِمٌ قَوَّاجِبٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ قَبْغَسِيلَ ثِيَابَهُ وَ بَصَنَعَ طَعَامَهُ وَ يَمْهَدَ فِرَاشَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبْرِ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَعُوذَ مَرِيضَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تُبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا وَ لَا تُلْحِثُهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا وَ لَكِنْ تُبَادِرُهُ مُبَادِرَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلايَتِكَ وَلايَتِهِ وَ وَلايَتَهُ يُولَايَتِكَ»

معلی بن خنیس، گوید: به امام صادق(ع) گفتم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: برای او هفت حق واجب است که هر کدام در مقام خود واجب است بر او اگر یکی از آنها را ضایع و بی اجراء گذارد از ولایت و اطاعت خدا بیرون است و برای خداوند هیچ بهره ای از بندگی در او نیست، به او گفتم: قربانت، آنها چیستند؟ فرمود: ای معلی، به راستی که من بر تو مهربانم، و می ترسم که آنها را ضایع کنی و نگهداری نکنی و بدانی و بکار نبندی، گوید: به او گفتم: لا حول و لا قوة الا بالله، فرمود: آسان تر آنها این حق است که: ۱- دوست داری برای او آنچه را برای خود دوست داری و بدداری برای او آنچه را برای خود بدداری، ۲- از خشم او کناره کنی و خشنودی او را پیروی کنی و فرمان او را ببری. ۳- او را کمک کنی با خودت و دارائیت و زبانت و دست و پابت. ۴- چشم او و رهنمای او و آینه او باشی. ۵- سیر نباشی و او گرسنه باشد، سیراب نباشی و او تشنه بماند، نبوشی و او لخت بگردد. ۶- اگر تو را خدمتکاری است و برادرت را خدمتکاری نیست، خدمتکار خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و خوراک او را بسازد و بستر او را پهن کند. ۷- به سوگند او وفاداری کنی، دعوت او را بپذیری، بیمار شد به دیدارش روی و در جنازه او حاضر شوی و هر گاه بدانی او را حاجتی است به انجام آن برایش پیش دستی کنی و او را نداری تا از تو خواهش آن کند ولی بشتاب و در انجام آن به گوش و هر گاه چنین کردی دوستی خود را به دوستی او پیوستی و دوستی او را به دوستی خداوند پیوستی(این است معنی روابط ZWJ; دوستانه متبادله).

امیرالمومنین می فرماید «شیعتی ... و فی اموالهم یتواسون، و فی الله یتبادلون. یا نوف! درهم و درهم، و ثوب و ثوب، والا فلا. ...» یعنی ای نوف! آیا می دانی شیعه ما چه کسانی اند؟ گفت: نه به خدا سوگند. امام گفت: شیعه من ... در اموال خود دیگران را شریک می کنند. (با آیین برداری رفتار می کنند) و آن را در راه خدا به یکدیگر می بخشند؛ ای نوف! درهمنی و درهمنی (درهمنی برای خود و درهمنی برای دیگران) و جامه ای و جامه ای (جامه ای برای خود و جامه ای برای دیگران) و گرنه، نه (شیعه نیستند).